

به نام هستی بخش

زندگیشنو تایلیونر شوی

فرمول منحصر به فرد شکستن
رکوردهای فروش در بازاریابی

ریچارد فنتون و آندریاس

مترجم: سعیده واقعی

زیر نظر: مسعود لعلی



فنتون، ریچارد Fenton, Richard
: نه پښتو نا میلیونر شوی / نویسنده ریچارد فنتون، آندریا والتز؛ مترجم
سعیده واقعی؛ ویراستاران سید حمید حیدری ثانی، علی رضوانی.
: تهران، بهار سبز، ۱۳۹۵.
: ۱۱۲ ص. ۱۴۰/۲۱×۵/۵ س. م.
: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۲۴-۲۷-۶

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک

فیبا
: عنوان اصلی: Go for No! Yes is the Destination, No is How You Get There.
: کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان 'برو به دنبال نه! بله، مقصد
است و نه، راه رسیدن به آن' با ترجمه‌ی روح‌الله محمودی توسط
انتشارات شکروی در تاریخ ۱۳۹۱ منتشر شده است.

وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
یادداشت

: داستان‌های انگلیسی -- قرن ۲۰ م.
: ۲۰th century -- English fiction
: والتز، آندریا - Waltz, Andrea - واقعی، سعیده، ۱۳۷۰ - مترجم
: ۴۱۳۹۵ پ ۸۴ ف / PZ۳
: ۸۲۳/۹۱۲
: ۴۴۲۰۵۸۰

موضوع
موضوع

سازمان افزوده
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره ثبت کتاب



نمایش و تا میلیونر شوی
ریچارد فنتون و آندریا والتز
زیر سر سعید لعلی
مترجم: سعیده واقعی

ویراستاران: سید حمید حیدری ثانی و علی رضوانی (مؤسسه «ویراستاران»)

طراح جلد: مهدی انوشیروانی
صفحه آرا: محسن سجایی

نوبت چاپ: اول، پاییز ۹۵
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: صاحب
چاپ و صحافی: گنج شایگان
قیمت: ۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۲۴-۲۷-۶

تهران، خیابان دکتر شریعتی، روبروی ایستگاه متروی قلهک،
کوچه شهید سرافراز، پلاک ۴، واحد ۱

تلفکس: ۳-۲۲۶۲۲۹۰۱؛ کد پستی: ۱۹۴۱۹۳۳۵۸۴

پست الکترونیک: info@baharesabz.ir

آدرس سایت و فروشگاه اینترنتی: www.baharesabz.com

حق چاپ محفوظ است.

فعالیت خود را از سال ۱۳۸۰ آغاز و بواسطه همکاری با نویسندگان جوان و خوش ذوق کشورمان و بهره جستن از موج روانشناسی موفقیت و مثبت گرا که بتازگی وارد کشور شده بود، در زمره ناشران روانشناسی و ادبی جای گرفت.

ایران سربا گزینش دقیق و سرلوحه قراردادن مرامنامه ادبی خود، سعی در انتخاب و چاپ موضوعات پرمحتوا، غیرتکراری، کاربردی، منطبق بر نیاز فرهنگی- اجتماعی جامعه امروز و ارزش های انسانی و اسلامی و در نهایت برخوردار از نبوغ و نوآوری در سبک نگارش و موضوع داشته و دارد. بررسی عناوین کتاب های با حاکمی از آنست که بیش از آنکه به ترجمه اندیشه های نویسندگان سایر کشورها تکیه کنیم به تقویت و رشد قلم جوانان، بدیشمند کشورمان بها داده ایم و افتخارات کارنامه نشر ما، بیون میباید اندیشه های جوان و پویا بوده است.

خوش بختانه اقشار مختلف مردم هم از دانش آموزان، دانشجویان، معلمان و اساتید دانشگاه، هم از میان سازمان ها و شرکت ها، صاحب نظران و صاحبان قلم و اندیشه و حتی کسانی که با کتاب اندک الفتی داشتند این نشر را، هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی حمایت نموده با تیراژ با شمارگان مطلوب و چاپ مکرر آنها، نقشی هر چند اندک در ارتقا سطح فرهنگی جامعه و ترویج و توسعه فرهنگ کتاب و کتابخوانی داشته باشیم.

دستان یکایک تان را می بوسیم و به پاس فرهنگ دوستی تان
سرتعظیم فرود می آوریم.

۵	مقدمه
۱۰	یادداشت نویسندگان
۱۳	فصل ۱ شکستن رکورد فروش
۱۵	فصل ۲ انجام کارهای عقب مانده
۱۸	فصل ۳ چرا مسئول فروش شدم؟
۲۲	فصل ۴ زمین گلف نهرتوت فرنگی
۲۴	فصل ۵ چه اتفاقی افتاده است؟
۲۶	فصل ۶ خیلی سرحال به نظر نمی رسی!
۳۰	فصل ۷ من دیگر
۳۴	فصل ۸ نگاه به آینه
۳۷	فصل ۹ الین!
۳۹	فصل ۱۰ ناهار رؤیایی
۴۲	فصل ۱۱ پس چطور فهمیدی کار مشتری تمام شد؟
۴۵	فصل ۱۲ شکست یا موفقیت
۴۹	فصل ۱۱ جایی که اهلان از هم جدا شد
۵۳	فصل ۱۴ دهه تیر و دهه دنی زود
۵۶	فصل ۱۵ زمانی با استیو
۵۹	فصل ۱۶ خلبان صبح می کند
۶۲	فصل ۱۷ دنبال «نه» شنیدن با ایم
۶۴	فصل ۱۸ نیروبخش ترین واژه سال
۶۷	فصل ۱۹ تعیین اهداف مبتنی بر «آی» شنیدن
۷۲	فصل ۲۰ هنگامی که مشتاقی، مشتاقی!
۷۴	فصل ۲۱ بعد!
۸۰	فصل ۲۲ صبح در ساحل
۸۵	فصل ۲۳ قصد خرید بیمه که نداری، نه؟
۸۰	فصل ۲۴ نه به معنای هرگز نیست
۹۳	فصل ۲۵ لقمه بزرگ تر
۹۵	فصل ۲۶ شکست به توان صد
۹۸	فصل ۲۷ تجلیل از شکست و پیروزی
۱۰۰	فصل ۲۸ در یک چشم برهم زدن
۱۰۴	فصل ۲۹ دوروتی به خانه بر می گردد
۱۰۶	سخن آخرش ماه بعد

مقدمه



ونکینگ خوب این کتاب در آمازون و تعریف و تمجیدهایی که از آن مانده بود، توجهم را به این اثر جلب کرد؛ به صورتی که تصمیم به خرید و زدن این کتاب گرفتم. اما باید اعتراف کنم وقتی چند صفحه اول کتاب را خواندم، ناامید شدم. با توجه به حجم کم کتاب، انتظار داشتم نویسنده به سرعت و از همان ابتدای کتاب، اطلاعات ذی قیمتی به خواننده انتقال دهد؛ اما در چند صفحه اول اتفاق خاصی نیفتاد. حتی در مقطعی، داستان به شکلی پیش رفت که حسابی گیجم کرد. البته ذات ادبی این وضعیت این بود که من مقدمه کتاب را نخوانده بودم! این‌ها را برای این می‌گویم که هنگام خواندن کتاب، با کمی حوصله پیش بروید؛ در پایان قصه زود هنگام نشوید. کتاب را تا انتها و به دقت بخوانید؛ زیرا این طریقی است که می‌گویم کسی که این کتاب را جدی بگیرد، خرد و آگاهی از زندگی در انتظار اوست.

از جایی به بعد، احساس گیجی جای خود را به غافل‌گیری جذابی داد که هنر نویسندگان چیره‌دست است. همچنین در ادامه وقتی با نگرش جالب نویسندگان آن دربارهٔ رد شدن، جواب منفی شنیدن

و تجربه شکست روبه روشدم، احساس رضایت و انرژی مثبت وجودم را فرا گرفت. متوجه شدم با کتابی متفاوت و شاهکار روبه رو هستم. اوج کتاب ارائه سیستم منحصربه فرد «هدف گذاری مبتنی بر شکست و نه شنیدن» است، چیزی که تا به حال کسی به آن نپرداخته است. خلاصه بگویم: منی که دیگر هر کتاب و نوشته ای به سادگی جذب نمی کند، به شدت علاقه مند به این کتاب شدم و آن را اثری تأثیرگذار ارزیابی کردم. باور دارم برای هر انسانی که می خواهد با نام ایمان ساززه کند و از زندگی خود شاهکار بسازد، مطالعه آن واجب است.

این کتاب را بتواند از آن مهم تر، به همه عزیزان و آشنایان تن هدیه دهید. مطمئن آن را همیشه و ام دار شما خواهند بود؛ زیرا کتابی به دست آن ها رسانده اید که رفته امید و میل به استقامت و تلاش خستگی ناپذیر را در وجودشان زنده کرد است.

روبه را و روبه رشد باشید.

مسعود لعلی

نسخه صوتی این کتاب به زودی در
سایت masoodlaali.com قرار خواهد گرفت.

یادداشت نویسنندگان



نویسنده و تأمیلونر شوی، داستانی خیالی دربارهٔ روزهای فراموش نشده زندگی اریک جیمز براتون است: همسری بی نظیر، برادری بی نظیر، فروشندهٔ عادی دستگاه کپی. این داستان با الهام زیادی از تجربیات زندگی ریچارد نوشته شده است: به عنوان یک کودک، رؤیاهای معقول را داشتم. روزهایم را در رؤیای تبدیل شدن به بازیکن حرفه‌ای بیسبال، نه سوار رانندهٔ رالی و... می‌گذراندم. مانند اغلب پسران به دایناسور علاقه داشتم. ساعت‌ها در باغچهٔ حیات پستی، در حال حفاری به دنبال فسیل‌ها بودم. یک روز در هشت سالگی، مجموعهٔ دایناسورهای پلاستیکی‌ام را با دوستم در زیرزمین، آن‌ها را روی میزی چیدم و همهٔ همسایه‌ها را دعوت کردم تا به گفته‌های من دربارهٔ آن‌ها گوش دهند. همان طور که افراد در حال خروج بودند، یکی از والدین پیش من آمد و گفت: «تو سخنرانی حرفه‌ای هستی.» من اصلاً نمی‌دانستم سخنران حرفه‌ای چیست؛ اما این حرف را دوست داشتم. در هشت سالگی خودم را کشف کرده بودم!

طی سی سال بعد، البته تنها در حد یک رؤیا باقی ماند! این رؤیا را از خودم راندم و کنار گذاشتم. هراز چند گاهی در خیالم تصور می‌کردم که سخنرانی حرفه‌ای هستم. با آن خودم را سرگرم می‌کردم و لذت

می بردم.... هرکاری انجام می دادم؛ جز تلاش در جهت تحقق رؤیایم. آیا مشکل کمبود استعداد داشتم؟ خیر، می توانستم توجه مخاطب را جلب کنم. آیا اشتیاق نداشتم؟ خیر، خواهان رشد بودم. آیا عواملی خارجی وجود داشت که من را به عقب می کشاند؟ کاش می توانستم دیگری را برای این موضوع سرزنش کنم؛ اما نمی شد. مشکل من چه بود؟ مکالمه ساده و بیش از حد پیش پا افتاده بود؛ من از شکست می ترسیدم، از دزدیدن می ترسیدم.

البته در اوایل اسامبر ۱۹۹۷ همه چیز تغییر کرد. تازه به چهل سالگی رسیده بودم به یاد می آورم، ندی به این موضوع پرداختم: زندگی ام چگونه به اینجا رسیده است؟ گفتار وگوبا یک سرپرست را در ده سال پیش به یاد آوردم. طوری بود که اگر کلیدی زده شد و ناگهان چراغی در دنیایم روشن شد و همه چیز را روشن کرد. چند روز بعد شغلم را به عنوان سخنران حرفه ای آغاز کردم. طی یک سال، دو کتاب نوشتم، پنج ویدئو تولید کردم و همچنین برای چند شرکت بزرگ در آمریکا در کنفرانس ها سخنرانی کردم. به سادگی کاری را کردم که خیلی وقت پیش آن فرد به من گفت.

کم کم به این فکر افتادم که اگر من ده سال گذشته منی... به آن نصیحت بی توجهی کرد، با من هدایت شده و مسن تر گشت و ردی می کند، چقدر جذاب خواهد بود. اینجا بود که ایده این کتاب به من رسید.

بنابراین اگر بتوانید به آینده بروید و با خود صحبت کنید، با نسخه ای باهوش تر و شجاع تر و نترس تر از خود شما، چه اتفاقی می افتد؟ این

فرصت برای اریک جیمز براتون مهیا شد. این فرصت، زندگی او را تغییر داد و اگر اجازه دهید، زندگی شما را نیز تغییر خواهد داد.

باید بدانید اگرچه شخصیت اصلی کتاب یک فروشنده است، این کتاب فقط مناسب فروشندگان نیست. این کتاب برای هرکسی که مایل به رویارویی با رشدن است، مفید است: افراد تازه کاری که به دنبال ناشر هستند، فعالان بازاریابی شبکه ای، کارآفرینان یا هرکسی که به دنبال جذب منابع مالی است. این کتاب برای همه کسانی نوشته شده که قصد دارند از رانج زندگی بگذرند و به تمام موفقیت هایی که زندگی بر آن عرضه می کند، دست یابند.

ریچارد فنتون و آندریا والتز

اگر با سرعت کافی به سمت موفقیت می روید، به این علت است که احتمالاً با سرعت کافی شکست نمی خورید و البته وجود یکی بدون دیگری غیرممکن است. بنابراین اگر قصد اجتناب از یکی از آن ها را دارید، از هر دو اجتناب کرده اید.

جو مالارکی